

بررسی آثار صندوق اعتبارات خرد بر رشد توانمندی زنان روستایی

زهرا فرضی زاده*

چکیده

در پژوهش حاضر، آثار صندوق اعتبارات خرد بر رشد توانمندی زنان روستایی مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی حاضر با روش پژوهش کیفی در روستای چکوجه پشت از توابع شهرستان رضوانشهر در استان گیلان انجام شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات، از فنون مصاحبه، بحث گروهی متمرکز، مشاهده مشارکتی و مستقیم استفاده شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، عدم انجام بررسی اولیه برای آگاهی از موانع رشد توانمندی زنان روستایی، صرفاً تأکید بر پرداخت اعتبار، اطلاع‌رسانی به عده‌ای محدود، عدم شناسایی فقرای واقعی، عدم تطابق رویه صندوق با عرف و شرایط بومی روستا، دید مقطعی و غیره، برخی از کاستی‌های صندوق مذکور است. تأمین سرمایه مالی، فقط یکی از چندین مؤلفه توانمندی است. دختران و زنان روستایی در سایر جنبه‌ها (مانند سرمایه انسانی، سرمایه اطلاعاتی، سرمایه مالی، سرمایه مادی، روانشناختی و غیره) ضعف‌هایی دارند. برخی از سواد و دانش کافی برای رونق کسب و کار فعلی یا راه‌اندازی کسب و کاری جدید برخوردار نیستند؛ به بازار فروش دائمی دسترسی ندارند؛ در دسترسی به برخی نهاده‌ها با مشکلاتی مواجه هستند؛ برخی به تسهیلات مالی بیشتری دسترسی ندارند یا فاقد آگاهی درباره سازوکارهای اخذ وام از نهادهای دیگر هستند. در ضمن، کاستی‌هایی نیز در ساختار فرصت (نهادهای رسمی و غیررسمی) ملاحظه می‌شود. هنوز موانع فرهنگی (نهاد غیررسمی) بسیاری برای ادامه تحصیل و اشتغال دختران وجود دارد. زنان آسیب‌پذیر جامعه، به ویژه زنان بی‌سپرست یا بدسپرست با موانع فرهنگی بیشتری مواجه هستند. در حالی که به دلیل شرایط خاص زندگی زنان مذکور، رشد توانمندی آنها بسیار ضرورت دارد.

واژه‌های کلیدی: فقر قابلیت، فقر درآمدی، توانمندی، صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی.

* استادیار گروه برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه تهران farzizade@ut.ac.ir

۱- مقدمه

افزایش قابلیت‌های بشر و بسط انتخاب‌های مردم، هدف توسعه است (درز و سن^۱، ۲۰۰۲، سن، ۱۹۹۹، برنامه توسعه ملل متحد، ۱۹۹۵ به نقل از کار^۲، ۲۰۱۰: ۱۰۳). توانمندی علاوه بر ارزش ذاتی^۳، ارزش ابزاری نیز دارد (ناریان^۴، ۲۰۰۲: ۱۴). پیوند علی بین توانمندسازی و پیامدهای توسعه‌ای به ویژه فقرزدایی وجود دارد که انگیزه‌های قوی برای توسعه و پیشبرد توانمندسازی در مداخله‌ها را فراهم می‌کند (آلسوپ، برتلسن و هالند^۵، ۲۰۰۶: ۲۲). در واقع، رشد توانمندی افراد، محرک توسعه است (استرن، دتیر و راجرز^۶، ۲۰۰۵).

در سال‌های اخیر، طرح‌های متعددی در دنیا برای توانمندسازی و فقرزدایی اجرا شده است. یکی از طرح‌های مذکور، طرح اعتبار خرد یا تأمین مالی خرد است. برخی از طرح‌های مذکور در دنیا عبارت است از بانک گرامین، سکم، براك، کمیته مشارکت دموکراتیک در بهره‌گیری از فناوری اطلاعات؛ طرح توسعه ککاماتان؛ صندوق فعالیت اجتماعی مالای؛ صندوق سرمایه‌گذاری اجتماعی زامبیا؛ صندوق توسعه اجتماعی رومانی؛ طرح توسعه مناطق کوهستانی شمال غربی تونس؛ گروه مشاوره برای کمک به فقیرترین‌ها؛ کسب و کارهای خرد بانک کوزوو؛ بانک راکیات؛ بانکداری جهانی زنان، میرادا، ساماکیا، آکسیون؛ شعب پرودم در بولیوی؛ آدمی در جمهوری دومینیک؛ انجمن زنان شاغل در هند؛ یاوا؛ طرح تجهیز پس‌انداز خانه به خانه، طرح وابستگی وام به پس‌انداز، روش بانک‌های سیار، بنیاد گسترش پس‌انداز در زامبیا، انجمن زنان خوداشتغال در هند (سوا)؛ انجمن‌های پس‌انداز و اعتبار گردشی؛ نهاد خدمات اعانات کاتولیک، سازمان‌های از گرسنگی؛ و پروموجر^۷ است. در ایران نیز نهادهای متعددی در این حوزه فعالیت می‌کنند. حوزه فعالیت برخی سازمان‌های مذکور، صرفاً پرداخت وام است و همان را معادل توانمندسازی در نظر می‌گیرند. حوزه فعالیت برخی از آن‌ها نیز تا حدودی فراتر از پرداخت وام است و آموزش برخی مهارت‌ها را نیز شامل می‌شود. سازوکارهای غیررسمی پس‌انداز؛ سازوکارهای غیررسمی تأمین اعتبار؛ سنت قرض‌الحسنه؛ صندوق قرض‌الحسنه خانوادگی (انجمن‌های پس‌انداز و اعتبار گردشی)؛ صندوق قرض‌الحسنه (شبه‌رسمی)؛ وام

۱. Dreeze & Sen

۲. Kaur

۳. intrinsic

۴. Narayan

۵. Alsop, Bertelsen & Holiand

۶. Stern, Dethier & Rogers

۷. Gramin Bank; Sekem; Bangladesh Rural Advancement Committee (BRAC); Committee for Democracy in Information Technology (CDI); Kecamatan Development Project (KDP); Malawi Social Action Fund (MSAF); Zambia Social Investment Fund (ZAMSIF); Romania Social Development Fund (RSDF); Tunisia Northwest Mountainous Areas Development Project; Consultative Group to Assist the Poorest; Micro Enterprise Bank-Kosovo (MEB-Kosovo); Rakyat; Women World Banking (WWB); MYRADA; SAMAKYA; ACCION; PRODEM; ADEMI; Working Women Forum (WWF); Youth for Unity and Voluntary Action (YUVA); Self-Employed Women,s Association (SEWA); Catholic Relief Services; Freedom Form Hunger; Pro Mujer.

قرض الحسنه نظام بانکی رسمی و سازمان‌هایی نظیر کمیته امداد امام خمینی (ره)؛ صندوق‌های قرض الحسنه روستایی؛ صندوق‌های قرض الحسنه در حوزه عمل شرکت تعاونی روستایی شباهنگ؛ بانک قرض الحسنه؛ سازمان اقتصاد اسلامی؛ کمیته امداد امام خمینی (ره)؛ بنیاد شهید و امور ایثارگران؛ بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی؛ تعاونی اعتبار ایران؛ مؤسسات خیریه غیردولتی؛ گروه‌های مالی خودیار؛ صندوق روستایی؛ صندوق‌های تعاون روستایی؛ شرکت‌های تعاونی روستایی؛ سازمان مرکزی تعاون روستایی؛ صندوق تعاون کشور؛ بانک توسعه تعاون؛ صندوق مهر امام رضا (ع)؛ سازمان فنی و حرفه‌ای (دفتر امور آموزش روستایی و بخش ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی)؛ بانک کشاورزی (طرح زینب کبری (س)، طرح ایران، طرح اشتغال زندانیان آزاد شده، طرح تسهیلات اشتغال‌زایی، صندوق قرض الحسنه توسعه اشتغال روستایی، طرح اشتغال به کار فارغ‌التحصیلان رشته‌های کشاورزی از دانشگاه‌ها، طرح بقاء)؛ سازمان بهزیستی؛ وزارت جهاد کشاورزی (دفتر امور زنان روستایی و بانک روستا حصاربن در طرح حبله‌رود)؛ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی؛ وزارت کار و امور اجتماعی؛ دفتر برنامه عمران ملل متحد (طرح کاهش فقر از طریق بسیج اجتماعی و اعطای اعتبارات خرد (صندوق توسعه پایدار و خانواده) در منطقه شیرآباد در زاهدان و روستای دهان در استان سیستان و بلوچستان، طرح ترسیب کربن مدل مشارکتی در احیای مراتع با اهداف منطقه‌ای و جهانی در دشت حسین‌آباد غیناب سریشه واقع در خراسان جنوبی، و طرح ایجاد معیشت پایدار از طریق صندوق اعتبارات خرد (بم)؛ صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی - ایفاد (طرح صندوق حمایت از جوانان و زنان و طرح پشتیبانی تأمین خدمات مالی خرد روستایی)؛ برنامه شرکت شل انگلستان (برنامه اندیشه و اعتبار در ایران)؛ سازمان بین‌المللی آکندن (طرح خوداتکایی زنان افغانی ساکن ایران؛ طرح مرکز حرفه آموزی شهید بابه‌مزاری؛ طرح مرکز خیاطی اردوگاه تربت جام؛ طرح وام اردوگاه نیاتک) برخی از آنهاست.

یکی از طرح‌های یادشده، صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی است که دفتر امور زنان وزارت جهاد کشاورزی، متولی اجرای آن است. طرح مذکور در بسیاری از مناطق روستایی ایران با هدف توانمندسازی زنان روستایی اجرا شده است. این طرح در استان گیلان در چهار روستای شهرستان رودسر، لنگه‌رود، رضوانشهر و شفت نیز اجرا گردیده است. هدف پژوهش حاضر این است که آثار اجرای طرح مذکور در روستای چکوچه‌پشت واقع در شهرستان رضوانشهر، بر رشد توانمندی زنان روستایی مورد بررسی قرار گیرد.^۱ یافته‌های پژوهش حاضر در تشخیص ضعف‌ها و کاستی‌ها و به تبع آن، تلاش برای رفع آنها و نیل به کارایی بیشتر در اجرای طرح‌های فوق مؤثر خواهد بود.

۱. آغاز فعالیت صندوق مذکور در روستای چکوچه‌پشت، فروردین ۱۳۸۹ بوده است. سازوکار صندوق به شرح زیر بوده است: در آغاز دو میلیون سرمایه اولیه از طرف جهاد در صندوق گذاشته شد. بعد به مدت شش ماه، اعضای صندوق (۲۵ نفر)، هر ماه ۵ هزار تومان در صندوق پس‌انداز کردند. بعد از گذشت شش ماه، قرعه‌کشی آغاز شد و هر ماه به دو نفر وام (۲۵۰ هزار تومان به ازای هر نفر) داده شد. وام‌ها در اقساط ۱۵ ماهه و با سود ۷٪ پرداخت گردید. مبلغ اقساط وام در هر ماه ۱۷۷۰۰ تومان بود و ۵۰۰۰ تومان نیز بابت پس‌انداز جمع‌آوری می‌شد (جمعاً ۲۲۷۰۰). مسئولان طرح به اعضا وعده پرداخت سود به پس‌اندازشان را داده بودند.

۲- ادبیات موضوع

به اعتقاد نارایان، توانمندی، معانی متفاوتی در بسترهای اجتماعی - فرهنگی و سیاسی دارد و به آسانی به همه زبان‌ها ترجمه نمی‌شود. فرایند شناسایی اصطلاحات محلی مرتبط با توانمندی در سراسر جهان، همواره به بحثی پویا و جالب توجه^۱ منجر می‌شود. این اصطلاح‌ها عبارت است از: خودتقویتی، کنترل، قدرت شخصی، اتکاء به خود، انتخاب شخصی، زندگی توأم با عزت و حفظ شأن و مقام مطابق با ارزش‌های فرد، توانایی نبرد برای کسب حقوق خود، استقلال، تصمیم‌گیری شخصی، آزاد بودن، هوشیاری و قابلیت. معانی مذکور در نظام‌های عقاید و ارزش‌های محلی جا دارد (نارایان، ۲۰۰۲: ۱۳).

نارایان معتقد است توانمندی، در وسیع‌ترین معنا، به معنی گسترش آزادی عمل و انتخاب فرد است. وقتی مردم انتخاب واقعی را تمرین می‌کنند^۲، میزان کنترل آن‌ها بر زندگی‌شان افزایش می‌یابد. انتخاب‌های مردم فقیر، بسیار محدود است، هم به دلیل فقدان سرمایه‌ها نزد آن‌ها و هم به دلیل بی‌قدرتی‌شان برای مذاکره^۳ با طیفی از نهادهای رسمی و غیررسمی به منظور ایجاد شرایط بهتر برای خودشان. به اعتقاد نارایان، از آنجایی که بی‌قدرتی، در ذات^۴ روابط نهادی جای دارد، در حوزه^۵ فقرزدایی، تعریفی نهادی از توانمندی مناسب است. وی در نهایت، تعریف زیر را مناسب می‌داند: «توانمندی، گسترش سرمایه‌ها و قابلیت‌های مردم فقیر برای مشارکت در، مذاکره با، تأثیرگذاری^۶، کنترل و حفظ^۷ نهادهای مسئولی^۸ است که بر زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد» (نارایان، ۲۰۰۲: ۱۴).

به اعتقاد پژوهشگران بانک جهانی نیز توانمندی، ظرفیت و توانایی افراد یا گروه‌ها برای انجام انتخاب‌های مؤثر و سپس تغییر و تبدیل انتخاب‌های مذکور به کنش‌ها و نتایج مطلوب است. آنها توانمندی را تحت تأثیر دو مجموعه عوامل مرتبط به هم یعنی عاملیت و ساختار فرصت می‌دانند (آلسوپ و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۰).

عاملیت، توانایی کنشگر یا گروه برای انتخاب‌های هدفمند تعریف می‌شود، یعنی کنشگر قادر باشد که گزینه‌هایی را در نظر داشته باشد و به نحوی سودمند و هدفمند به انتخاب آنها بپردازد. عاملیت شخص یا گروه می‌تواند به میزان بسیاری از طریق برخورداری از سرمایه^۹ پیش‌بینی شود. انواع مختلف سرمایه عبارت

-
۱. Lively
 ۲. Exercise
 ۳. Negotiate
 ۴. Nature
 ۵. Context
 ۶. Influence
 ۷. Hold
 ۸. Accountable
 ۹. Asset endowment

است از سرمایه‌های انسانی، روانشناختی، اطلاعاتی، سازمانی، مادی، اجتماعی، مالی. اما عاملیت نمی‌تواند مترادف توانمندسازی در نظر گرفته شود. حتی وقتی مردم ظرفیت و توانایی انتخاب گزینه‌هایی را دارند، ممکن است نتوانند به نحو مؤثری عاملیت را مورد استفاده قرار دهند. زیرا ساختار فرصت آن‌ها، قیدها و محدودیت‌هایی را بر آن‌ها اعمال می‌کند. ساختار فرصت، جنبه‌هایی از بستر و زمینه نهادی تعریف می‌شود که کنشگران در آن عمل می‌کنند و بر توانایی آن‌ها برای تغییر و تبدیل عاملیت به کنش تأثیر می‌گذارد (همان، ۱۰-۱۱). در واقع، گروهی از مردم ممکن است از منافع توسعه محروم یا بهره‌مند شوند که این امر به روابط سیاسی و اقتصادی موجود منوط است که از طریق نهادها و ساختارهای اجتماعی تعیین می‌گردد (بانک جهانی، ۲۰۰۱؛ درز^۱ و سن، ۲۰۰۲ به نقل از کار، ۲۰۱۰: ۱۰۵).

برنامه‌های تأمین مالی خرد یا اعتبار خرد یکی از تدابیر مطرح برای رشد توانمندی افراد مطرح شده است. به اعتقاد برخی، «تأمین مالی خرد، راهبردی توسعه‌ای است که در سراسر جهان برای تحقق توسعه اجتماعی اقتصادی گسترش یافته است» (کلت^۲، ۲۰۰۹: IX؛ راجوریا^۳، ۲۰۰۸). «... پارادایم زیربنا و محرک برنامه‌های تأمین مالی خرد، "پارادایم خودپایداری مالی"^۴ است که در آن ادعا می‌شود خانوارهای فقیر سراسر جهان قادر خواهند شد با دریافت اعتبار از فقر رهایی یابند تا با کمک‌های توسعه‌ای...» (سانیال، ۲۰۰۶: ۱).

در حال حاضر، موفقیت برنامه‌های تأمین مالی خرد به عنوان عاملی مؤثر در فقرزدایی شناخته شده است. حامیان^۵ این رویکرد از نرخ‌های بازپرداخت بیشتر از ۹۵ درصد، مشارکت فراوان زنان، تحقق بهبود و پیشرفت‌هایی در سلامت و آموزش کودکان، و ظرفیت برنامه‌های مذکور برای دستیابی به پایداری مالی در بلندمدت یاد می‌کنند (ولکاک^۶، ۱۹۹۹: ۱۷). این رویکرد جدید، ظرفیت موجود در نهادها و قراردادهای نوآورانه‌ای را نشان می‌دهد که می‌تواند شرایط زندگی جوامع کم‌درآمد را بهبود بخشد (آرمندارز دی آگیون و مورداج^۷، ۲۰۰۵: ۲۵). «...دو وعده توانمندی زنان و خودپایداری مالی فقرا، برنامه‌های تأمین مالی خرد را در دهه ۱۹۹۰، به عنوان یک راهبرد توسعه‌ای، متداول و مشهور کرده است. چندین کشور در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین این برنامه را به عنوان راهبرد اصلی فقرزدایی اتخاذ کرده‌اند. به عبارت دیگر، این برنامه، پدیده‌ای جهانی شده است...» (سانیال، ۲۰۰۶: ۲).

پایداری، انتخاب خودجوش اعضا (توسط خودشان)، وام‌دهی گروهی، تعهد مشترک و نظارت همتایان، زمان‌بندی مناسب برای بازپرداخت وام (عمدتاً با تعدد بالا و فواصل کم میان اقساط)، وام‌دهی صعودی (افزایش تدریجی میزان وام)، استفاده از جایگزین‌های وثیقه مانند پس‌انداز، و گاهی همراهی برنامه‌های تأمین

-
۱. Dreze
 ۲. Kellet
 ۳. Rajouria
 ۴. Financial selfsustainability paradigm
 ۵. Enthusiast
 ۶. Woolcock
 ۷. Armendáriz de Aghion & Morduch

مالی خرد با خدمات اجتماعی اولیه (آموزش، سلامت، بهداشت) و پیگیری اهداف توسعه اجتماعی از ویژگی‌های برنامه‌های اعتبار خرد و تأمین مالی خرد است (ارمندراز دی آگیون و موردراج، ۲۰۰۵: ۱۰۲).

پژوهش‌های بسیاری درباره آثار برنامه‌های اعتبار خرد یا تأمین مالی خرد بر رشد توانمندی زنان انجام شده است (هولوت، ۲۰۰۵؛ مایاکس، ۲۰۰۱؛ دی و سارکر، ۲۰۱۱؛ راجوریا، ۲۰۰۸؛ کیم و همکاران، ۲۰۰۷؛ رچی، ۲۰۰۹؛ کلت، ۲۰۰۹؛ کبیر، ۱۹۹۸ به نقل از آلسوپ و همکاران، ۲۰۰۶؛ گوتز و گوپتا، ۱۹۹۶ به نقل از آلسوپ و همکاران، ۲۰۰۶؛ اسلانبیجی، اکس و یودین، ۲۰۱۰؛ هاشمی و همکاران، ۱۹۹۶؛ مالیک، پرویز و کیفیات، ۲۰۱۱؛ چودهاری و چودهاری، ۲۰۱۱؛ سانیا، ۲۰۰۶؛ ال-کومی، ۲۰۱۰؛ هلند و ونگ، ۲۰۱۱؛ مالدونادو و گونزالز، ۲۰۰۸؛ هیدالگو-کلاری، آلتامیرانو-کاردناس، زاپاتا-مارتلو و مارتینز-کورونا، ۲۰۰۵؛ خاندکر، ۲۰۰۵؛ ماسلی، ۲۰۰۱؛ کاسی، ۲۰۰۸؛ لینگ، شینکای، هوتا و نانسکی، ۲۰۱۰).

در ایران نیز موضوع بررسی برخی پژوهش‌ها، تأثیر اجرای طرح‌های اعتبار خرد یا تأمین مالی خرد بر توانمندسازی بوده است (سعدی و عرب مازار، ۱۳۸۵؛ ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۵؛ کمره‌ای، ۱۳۸۹؛ طالب و نجفی‌اصل، ۱۳۸۶؛ رضایی گیوشاد، ۱۳۸۷؛ معظمی، رحیمی، طائفه حیدری، ۱۳۸۵؛ رشیدی و منصور، ۱۳۸۵؛ جلالی موسوی، ۱۳۸۶؛ خداوردی‌لو و بریمانی، ۱۳۸۸؛ جعفری مهتاش، ۱۳۸۵).

در پژوهش‌هایی که درباره طرح‌های تأمین مالی خرد و اعتبار خرد در ایران انجام شده است، عمدتاً حوزه اقتصادی، یعنی وام، مبلغ آن، نحوه مصرف وام، میزان بازپرداخت آن، رشد پس‌انداز و درآمد افراد، مشکلات صندوق‌ها، عملکرد صندوق‌ها و آثار اجتماعی - اقتصادی آن‌ها، اثر تشکیل صندوق‌ها در اشتغال‌زایی، و راهکارهای پایدارسازی صندوق‌ها مورد توجه بوده است (محمدقلی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۵؛ سجادی، ۱۳۸۵؛ معظمی و همکاران، ۱۳۸۵؛ سعدی و عرب مازار، ۱۳۸۵؛ رشیدی و منصور، ۱۳۸۵؛ ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۵) که موضوعات مذکور، در مجموع یک جنبه از توانمندی یعنی برخورداری افراد از سرمایه مالی را شامل می‌شود. البته در برخی از پژوهش‌های فوق (محمدقلی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۵؛ معظمی و همکاران، ۱۳۸۵) درباره توجه به آموزش در طرح‌های مذکور بحث شده است که آن نیز فقط یک جنبه از توانمندسازی یعنی برخورداری از سرمایه انسانی را شامل می‌شود. در حالی که توانمندسازی، حوزه وسیعی را شامل می‌شود و برخورداری افراد از سرمایه مالی و انسانی، صرفاً بخشی از این فرایند است. گاهی نیز در پژوهش‌های مذکور (قلی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۵) درباره مشارکت در تصمیم‌گیری [در جلسه‌ها] و مسئولیت‌پذیری بحث شده که آن نیز در حیطه مسائل مالی بوده است. ساختار فرصت یعنی شرایط اجتماعی و نهادی مساعد برای تحقق

۱. Holvoet; Mayoux; De & Sarker; Rajouria; Kim; Reji; Kellett; Goetz & Gupta; Aslanbeigui, Oakes & Uddin; Hashemi; Malik, Pervez & Kifayat; Chowdhury; Sanyal; El-Komi; Holland & Wang; Maldonado & Gonzalez-Vega; Hidalgo-Celarie, Altamirano-Cardenas, Zapata-Martelo & Martinez-Corona; Hidalgo-Celarie, Altamirano-Cardenas, Zapata-Martelo & Martinez-Corona; Khandker; Mosley; Kouassi; Lhing, Shinkai, Hotta & Nanseki.

توانمندی نیز چندان مورد توجه نبوده است و صرفاً در برخی پژوهش‌ها، برخی عوامل نهادی و اجتماعی برای موفقیت صندوق‌ها در حوزه وام‌دهی، مانند ثبت حقوقی و قانونی صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی (قلی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۵؛ معظمی و همکاران، ۱۳۸۵)، مورد توجه بوده است. از این رو، به دلیل توجه بیشتر به مسائل مالی و اقتصادی و تأکید بر آن، راهکارها نیز بیشتر در این حوزه بیان شده است، از جمله پرداخت سرمایه مجدد به اعضای دارای شرایط مناسب؛ افزایش سرمایه صندوق؛ افزایش سقف اعتبار برای هر متقاضی، افزایش تعهدپذیری جمعی در قبال وام‌های صندوق؛ جلب مجدد اعتماد اعضا؛ طراحی نظام مالی مناسب و آموزش آن به کارمندان میدانی؛ صرف زمان کمتر برای دریافت وام؛ پرهیز از انجام اموری که موجب افزایش هزینه‌های معاملاتی متقاضی می‌شود، مانند تهیه مدارک غیرضروری، مراجعه مکرر به بانک و غیره؛ حذف فرایندهای اضافی در پرداخت تسهیلات تا از مراجعه مکرر زنان به بانک جلوگیری شود؛ ارزیابی و اثرسنجی برنامه‌های اعتبار خرد و لزوم تهیه اطلاعات پایه درباره وضعیت درآمد، نوع اشتغال و غیره افراد قبل از تشکیل صندوق، تا بر پایه این اطلاعات ارزیابی انجام شود (قلی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۵؛ معظمی و همکاران، ۱۳۸۵؛ سعدی و عرب مازار، ۱۳۸۵؛ رشیدی و منصور، ۱۳۸۵؛ ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۵).

۳- روش پژوهش

در بررسی حاضر، روش کیفی مورد استفاده قرار گرفته است. مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته، بحث گروهی متمرکز، مشاهده مشارکتی و مستقیم، فنون جمع‌آوری اطلاعات بوده است. جامعه مورد بررسی، روستایی چکوجه پشت در محدوده سیاسی دهستان خوشابر در بخش مرکزی شهرستان رضوانشهر است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گیلان، ۱۳۸۷: ۱۸، ۲۹). در پژوهش حاضر با برخی اعضای صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی و برخی از افراد غیرعضو (سیزده نفر) مصاحبه شده است. شایان ذکر است که همه اطلاعات مربوط به صندوق اعتبارات خرد، به نحوی تدریجی، ضمنی و در حین مشاهده مشارکتی و زندگی با روستاییان حاصل شده است.

۴- یافته‌های پژوهش

اجرای طرح فوق در روستای مذکور، در وهله اول این پرسش را در ذهن ایجاد می‌کند که چرا این روستا انتخاب شده و برخی نواحی بسیار محروم‌تر استان، به ویژه در نواحی کوهستانی دوردست، در اولویت نبوده است؟ روستای مورد بررسی، از روستاهای جلگه‌ای است که به لحاظ برخی امکانات و ویژگی‌ها، از وضعیت بهتری در مقایسه با سایر روستاها برخوردار است. برای مثال، حمایت والدین از فرزندان پسر به صورت کمک در ساخت خانه مسکونی برای آن‌ها، خاک مرغوب روستا که امکان ساختمان‌سازی را در آن فراهم کرده است، برخورداری از زمین‌های جلگه‌ای برای کشت برنج و علف‌زارهای وسیع برای خوراک دام، و برخورداری ساکنان از آب لوله‌کشی، گاز، برق، تلفن و غیره در روستا مشاهده می‌گردد.

گرچه توانمندسازی برای همه مناطق و همه اقشار ضرورت دارد، اما اجرای چنین طرح‌هایی - که هدف آن، عمدتاً پرداخت اعتبار است - در وهله اول، در مناطق بسیار محروم و فقیر (به لحاظ درآمدی) معنا دارد. به ویژه مناطقی که ساکنان آن، تجربه راه‌اندازی انجمن‌های پس‌انداز و اعتبار‌گردشی^۱ را ندارند و فاقد آگاهی درباره نحوه اخذ وام از بانک‌های رسمی و توان لازم برای این کار هستند. البته در روستای یادشده نیز برخی افراد دچار فقر درآمدی شدید هستند و به سرمایه‌ای اولیه برای رونق کسب و کار فعلی خود نیاز دارند. اما برخی از آنها، هنوز از وجود صندوق در روستا و سازوکار آن بی‌اطلاع هستند. در واقع، اطلاع‌رسانی فقط به عده‌ای محدود انجام شده است و عدم تقارن اطلاعاتی^۲ در جامعه مشاهده می‌شود که خود به عدم ایجاد فرصت‌های متقارن^۳ می‌انجامد. عده‌ای نیز بعد از راه‌اندازی صندوق از وجود آن مطلع شدند که دیگر برای عضویت آن‌ها دیر شده بود. برخی از افراد غیرعضو نیز به دلیل مبلغ سود وام و برخی به دلیل عدم اطمینان از توان پرداخت اقساط وام در آینده، از عضویت منصرف شدند.

«وقتی شروع شد و وام‌هاشون گرفتند، نیمه کار، ما فهمیدیم، لااقل قبلش خبردار می‌شدیم چیه، چطوری، شاید ما هم می‌رفتیم. اول باید می‌فهمیدیم چطوری، یا می‌رفتیم یا نمی‌رفتیم. ولی قبلش باید به ما هم می‌گفتند» (۲۱ ساله). «صندوق تو روستا را نمی‌دانم» (۵۷ ساله). «آره بودند کسانی که خبر نداشتند باشند. اکثرآ خبر نداشتند. دیگه آن‌ها هم گفتند ما همیتقدر (۲۵ نفر) نیرو می‌خواهیم» (۳۹ ساله). «آن [صندوق] را خبر نداشتم. یکسال پیش فهمیدم» (۵۲ ساله). «تازگی شنیدم، ولی شرکت نکردم، چون نمی‌دانستم همچین چیزی هست» (۲۰ ساله). «من یک بار آن اوایل پیگیر شدم، ببینم چه جوریه. این صندوق با سود بود. مثل وام‌های سوددار بانکی بود که سود داشت. مبلغش هم زیاد نبود. ۲۵۰ که دیگه چیزی نیست که آدم بخواد سود بده. ما خیلی از قرعه‌کشی‌ها را تو همین محل داریم که اصلاً سود نداره. سودی از آن برداشت نمیشه. من قرعه‌کشی یک تومنی هم داشتم، مثلاً الان اسم من تو قرعه‌کشی درآمد، دوست دارم به شما که صاحب خانه هستی، یک شیرینی بدم. این یک چیز اجباری نسبت که حتماً از پولم کم بشه، من قرعه‌کشی اینا را از اول هم قبول نداشتم. دیدم با سود است، از اولش شرکت نکردم. قرعه‌کشی‌های دیگه هم داشتم.... حالا آمدند که یک کاری برای خانم‌ها بکنند، آمدند بیشتر خرابش کردند» (۲۲ ساله).

بر اساس یافته‌های پژوهش مشخص گردید که برای شناسایی افراد ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتر وقت صرف نشده است. انجام یک بررسی اولیه و صرف مدت زمانی کوتاه در روستای مذکور توسط یک کارشناس متبحر، قبل از آغاز اجرای طرح مذکور، می‌توانست از وقوع این مشکل جلوگیری کند و پیامدهای منفی و آثار

۱. در روستای فوق، قبل از راه‌اندازی صندوق مذکور، اهالی روستا (زنان و مردان) سابقه تشکیل انجمن‌های پس‌انداز و اعتبار‌گردشی و عضویت در آن را داشته‌اند که در اصطلاح محلی به آن بانک محلی می‌گویند. در انجمن‌های مذکور، هر عضو ماهانه یا هفتگی، مبلغی را پرداخت می‌کند و بر اساس قرعه‌کشی، وام به یکی از اعضا داده می‌شود.

نامطلوبی مانند بدبینی و بی‌اعتمادی روستاییان پدید نیاید. در بررسی حاضر، به تدریج درباره برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، مالی و مادی اعضای صندوق، و نسبت خویشاوندی اکثر آنها با هم، یافته‌های مهمی کسب گردید. اعضای صندوق، عمدتاً در محدوده مرکزی ده در محله پایین اسکان دارند و رابطه خویشاوندی میان اکثر آنها وجود دارد. در واقع، انتقال شفاهی از طریق مسئولان به شورای روستا و سپس از شورای روستا به همسر وی و در وهله بعد، از همسر شورا به عده‌ای محدود (اقوام و دوستان نزدیک و صمیمی) و سپس از طریق آن عده محدود به عده‌ای دیگر (خویشاوندان و دوستان نزدیک) انجام شده است.

«دو خانم از جهاد به شورا اطلاع دادند. بعد شورا به من گفت، من به شما گفتم، اون یکی به آن یکی گفت...» (۴۹ ساله). «همسایه ما در آنجا سرگروه ما بود. گفت شما پول بگذارید، ما سرگروه هستیم... آقای ما شورا نبود مگه، دیگه اطلاع دادند. ما هم همینطوری به نزدیکانمان اطلاع دادیم... همینطوری انتخاب کردند. ۵ تا گروه ۵ نفری بودیم. همینطوری هر کس دوست داشت، آمد» (۳۰ ساله). «خودشان پیشنهاد دادند. به شورای محل گفتند. بعد شورای محل آمدند پیش ما گفتند اگر می‌خواهید از طرف جهاد این صندوق هست، عضو بشین» (۳۳ ساله).

عدم تطابق رویه صندوق مذکور با عرف و شرایط بومی جامعه روستایی، یکی دیگر از یافته‌های پژوهش است. برای مثال، به زن روستایی سالخورده‌ای که فعالیت اصلی‌اش، زراعت و دامداری (دارای شش گاو) است، توصیه شده است که شغلی راه‌اندازی کند. آیا چنین فردی را می‌توان بیکار محسوب کرد و سپس درصدد شاغل کردن وی برآمد؟ وی چندین ساعت از روز را صرف بردن دام‌ها به علفزاری دور از خانه و سپس برگرداندن آنها به منزل، نظافت جایگاه دام و جمع‌آوری فضولات آن (هر روز)، دوشیدن شیر و تهیه لبنیات می‌کند و پس از کنار گذاشتن مقداری از آن برای مصرف شخصی، مازاد آن را می‌فروشد. همچنین علاوه بر کشت شالیزار خود، در شالیزارهای دیگران نیز کار می‌کند. در عین حال، تنوعی از راه‌های دیگر را نیز برای کسب درآمد به کار می‌گیرد، از قبیل پرورش طیور، کارگری در شالیزارهای دیگران، کشت سبزیجات. علاوه بر این، با خیاطی، بافندگی و حصیربافی نیز آشناست.

در میان زنان روستایی ایران، زنانی وجود دارند که فاقد دام، زمین زراعی، و توانایی جسمانی برای زراعت هستند که در صورت بی‌سرپرست یا بدسرپرست بودن، وضعیت معیشتی آنها بسیار نامساعدتر است. می‌توان سازوکاری برای رشد مهارت و اشتغال آنها و پرداخت وام - به قدر کفایت - برای راه‌اندازی شغل طراحی کرد و مراحل رشد آنها را تحت کنترل قرار داد و در این مسیر، به رشد توانمندی آنها کمک کرد و در مراحل مختلف به آنها مشاوره داد.

«ما گفتیم والا ما شغل داریم، هم کشاورزیم، هم گاو داریم، من شغل دیگه‌ای نمی‌تونم داشته باشم. دیگه یک گاو کوچولو خریدم، آمدند فیلمبرداری کردند، رفتند» (۵۲ ساله). «شاغل یعنی وام را دادند تا هر کسی خواست خیاطی کند، هر کسی خواست آرایشگری کند و...» (۴۷ ساله). «وام همین طوری که نمی‌دادند.

گفتند یک کاری بکنید که براتون مفید باشه. همین طوری وام ندادن. بیشتر برای این بود که زنها تو روستا شاغل بشن، مشغول یک کاری بشن. مثلاً به من گفتند چون خیاطی می‌کنی، برای خیاطی وام بگیر. یکی مثلاً می‌گرفت باهاش اردک زیاد می‌خرید یا غاز می‌خرید نگهداری می‌کرد. همه را می‌آمدند نگاه می‌کردند» (۲۵ ساله).

زنان روستایی جامعه مذکور، از قبل سابقه تشکیل و عضویت در انجمن‌های پس‌انداز و اعتبار گردشی را داشتند و تفاوت انجمن‌های مذکور را با صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی احساس می‌کردند. آن‌ها صندوق فوق را به لحاظ دریافت سود وام، با انجمن‌های پس‌انداز و اعتبار گردشی (محلی) مقایسه می‌کردند. آن‌ها بر این موضوع تأکید می‌کردند که عضویت در انجمن‌های محلی، مستلزم پرداخت سود نیست و مبلغ اقساط آن نیز کم است. بنابراین، آن‌ها ترجیح می‌دادند عضو همان انجمن‌های محلی خود باشند. یگانه وجه تمایز صندوق مذکور با انجمن‌های یادشده، انباشت پس‌اندازی جداگانه بود که قرار بود بابت آن سود پرداخت شود. اما اعضا به دلیل عدم تحقق این وعده، دیگر تفاوتی بین صندوق و انجمن‌های محلی قائل نبودند و حتی احساس فریب‌خوردگی می‌کردند.

«ما خودمان صندوق محلی داشتیم، مثلاً هر کس هفته‌ای دو هزار تومن می‌گذاره. سود هم نداره. وام بگیریم اصلاً سود نداره. محلی است. ۱۰۰ تومانی هست، ۱۱۹ تومانی هست» (۱۶ ساله). «ما خیلی از قرعه‌کشی‌ها را تو همین محل داریم که اصلاً سود نداره» (۲۰ ساله). «الان جدیداً می‌خواهیم دوباره صندوق بگذاریم، چون از طرف جهاد که وام گرفتیم، هم وامش کم بود، درصد سودش هم بالا بود برامون، نمی‌تونستیم. خیلی سعی کردیم که قسطش را بدیم. هر ماه باید ۲۲۵۰۰ می‌دادیم، خیلی برامون زیاد بود نسبت به اون پولی که می‌گرفتیم. برای همین گفتیم که دیگه فیصله‌اش بدیم. دیگه گفتیم تمامش کنیم و یک بانک برای خودمان بزنیم. اینطوری به صرفه است و بهتر صرف دارد. سودی هم ندارد..... [مبلغ] وام بانک [محلی] خودمان که قبل از صندوق جهاد داشتیم، کمتر بود، اما اینقدر دیگه یعنی ماهی ۲۲ تومن قسط نمی‌دادیم، ۵ تومن، ۱۰ تومن قسط می‌دادیم» (۲۵ ساله).

اصرار برخی اعضا به دریافت سریع‌تر مبلغ پس‌انداز و اتمام کار صندوق به دلیل عدم تحقق وعده مسئولان درباره پرداخت سود به پس‌انداز اعضا، اعتقاد به کافی نبودن مبلغ وام برای راه‌اندازی کسب و کار، بدبینی، شکایت از زیاد بودن مبلغ اقساط وام، سود وام و عدم دریافت سود از پس‌انداز و احساس فریب‌خوردگی، همگی موجب عدم تمایل آن‌ها به شروع مجدد چرخه وام و پس‌انداز صندوق شده است. زنان روستایی درباره ناتوانی برخی اعضا برای پرداخت اقساط وام و برداشت وجه از پس‌اندازشان توسط نماینده صندوق، نارضایتی از تأخیر در بازگشت پس‌اندازهایشان، نارضایتی از عدم تداوم حضور مسئولان در روستا به ویژه در ماه‌های آخر کار صندوق نیز سخن گفتند. خرید اردک، غاز، بوقلمون، گوساله، خرید کالا برای فروش در خواربارفروشی، زراعت، امور مصرفی، برگزاری جشن عروسی نیز از موارد مصرف وام بوده است.

«چون از تابستان تا حالا خبری نشده، هیچ کلاسی [برگزار] نشده، همه اعتراض دارند» (۳۸ ساله).

«بیچاره‌ها وام گرفتند، قسط‌هاشون دادند، تمام شده، الان حدود ۴، ۵ ماه که جهاد، نفری ۱۵۰ تومنشان نمیده. ۱۵۰ تومن پولشان آنجا مانده، این خانمی [نماینده صندوق در روستا] که رئیس این‌هاست و پرونده‌ها و دفترچه‌ها دست آن، دیگه اینقدر رفته و آمده، بیچاره خسته شده. زن‌ها همه به این می‌تویند، این بیچاره چه کار کنه دیگه. الان چند ماه که قرعه‌کشی همه‌شان تمام شده، پولشان بهشان نمیدن، اصلاً معلوم نیست چرا بهشان نمیدن، ۳ میلیون پول [پس‌انداز] این‌ها آنجا مانده، ارزش نداره آدم تو این قرعه‌کشی‌ها شرکت کنه، خانم‌ها با دادن قسط‌ها، پول برگرداندند، اما هنوز پولشان [پس‌انداز] که نفری ۱۵۰ تومن و کلاً میشه ۳ میلیون، تو حساب جهاد و برنگرداندند» (۳۰ ساله). «میگن آن‌ها کلاه‌برداری کردند. میگن سود برای آن‌هاست» (۵۲ ساله). «آخه با ۲۵۰ تومان میشه کار کرد؟ آن‌ها [اعضای دیگر] هم برای زندگی استفاده کردند. آخه با ۲۵۰ تومان همیشه کار کرد. زیاد نبود که... بعد هم تبلیغ کردند گفتند ما در چوکو صندوق گذاشتیم، ۲۵ نفر از خانم‌ها شاغل شدند. کار خودشان را ردیف کردند... قسط‌ها را دادیم تمام کردیم، الان اینطوری میگن. ما دیگه گول نمی‌خوریم» (۳۹ ساله). «خوب بعضی خانم‌ها پول ندارند دیگه، شغلی ندارند، درآمدی ندارند، یکی قسط می‌ده، یکی قسط نمیده، یکی می‌گه قسطش زیاد» (۵۲ ساله). «ما گفتیم ما دیگه وام نمی‌خواهیم، وامی که سودش زیاد، برای ما مشکل. برای یک زن خانه‌دار مشکل. زن‌ها خیلی اعتراض کردند. گفتند ما [وام مجدد] نمی‌گیریم. پول [پس‌انداز] ما را بدهید» (۳۳ ساله). «این پول [پس‌انداز] مگه نباید سود آن را بدهند؟! گفتند سود دیگه نداره، سود به نفع دولت است. پس‌انداز را به شما می‌دهیم، اما سود را نمی‌دهیم. این پول آخه چند ماه آنجا خوابیده، لااقل ۵ تومان، ۱۰ تومان باید سود بدهند. حالا آن خانم [نماینده صندوق در روستا] قرار زنگ بزنه از جهاد بیان اینجا بشینیم، حرف بزیم نظرمون بگیریم. اما من گفتیم من پول خودم [پس‌انداز] می‌گیرم، وام نمی‌گیرم. ۵ تومان [مبلغی که ماهانه به عنوان پس‌انداز جمع می‌شد] همینجا تو خانه خودم جمع می‌کنم. این که سود نداشته باشه، چه فایده... دخترم گفت مامان، ما این همه آنجا پول گذاشتیم الکی بود، نمی‌خوان ۲ تومان به ما سود بدن. گفتیم قانون سود برای استفاده خودش بر میداره» (۴۹ ساله).

نگارنده زمانی به روستای مورد بررسی وارد شد که صندوق مذکور در حال انحلال بود. زنان روستایی که همگی اقساط وام خود را پرداخت کرده بودند، خواهان اتمام فعالیت صندوق بودند. آنها به دلایل مذکور، از جمله عدم تحقق وعده پرداخت سود به پس‌اندازها، دچار بی‌اعتمادی و بدبینی شده بودند و با ادامه فعالیت صندوق و شروع مجدد چرخه پس‌انداز و اعطای اعتبار موافق نبودند. آن‌ها تصمیم گرفته بودند بعد از اتمام فعالیت صندوق جهاد، صندوقی دیگر مطابق با عرف محل احداث کنند. در صندوق محلی، بر خلاف صندوق جهاد، نیازی به پرداخت سود برای وام‌های دریافتی نیست و مبلغ اقساط نیز طوری تعیین می‌گردد که زنان روستایی قادر به پرداخت آن باشند.

«سرگروه ما رفته جهاد میخواد پول [پس انداز اعضا] بگیره. سرگروه ما رفته که پول برداره، حالا شاید بدهند یا ندهند، دیگه نمی‌دانم» (۱۶ ساله). «همه با هم متحد شدیم که آنها نمی‌خواستند سود پس انداز به ما بدهند، از آن ۲ میلیون به ما وام بدهند. حالا تأیید هم نکردند درخواست ما را. درخواست نوشتیم، از همه امضاء گرفتیم، بریم به رئیس جهاد بگیریم، ببینیم حالا میخواد چه کار کند. درخواست دادیم حالا، جوابش نیامده، موافقت کنه یا نکنه» (۲۵ ساله). «الان جدیداً می‌خواهیم دوباره صندوق بگذاریم، چون از طرف جهاد که وام گرفتیم، هم وامش کم بود، درصد سودش هم بالا بود برامون، نمی‌تونستیم. خیلی سعی کردیم که قسطش را بدیم. هر ماه باید ۲۲۵۰۰ می‌دادیم، خیلی برامون زیاد بود نسبت به اون پولی که می‌گرفتیم. برای همین گفتیم که دیگه فیصله‌اش بدیم. همه کسانی که وام گرفتند هم قسطشان تمام شده، دیگه گفتیم تمامش کنیم و یک بانک برای خودمان بزنیم. اینطوری به صرفه است و بهتر صرف دارد. سودی هم ندارد» (۲۵ ساله).

۵- نتیجه گیری

برخی سازمان‌ها در ایران، فعالیت‌های فراوانی را برای حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر انجام می‌دهند. تأکید بر جنبه‌های محدودی از توانمندسازی مانند تأمین اعتبار و اشتغال؛ غالب بودن نگرش اقتصادی؛ کافی دانستن پرداخت وام به مردم که به وابستگی بیشتر آنها به دولت و رشد انتظارات از دولت می‌انجامد؛ پررنگ بودن نقش دولت و اتکاء بر منابع آن؛ غالب بودن رویکرد حمایتی تا نگرش توانمندساز؛ فقدان نگرش بلندمدت و آینده‌نگر؛ اجرای برنامه‌هایی با بازدهی کوتاه‌مدت؛ عدم توجه به نیازهای متنوع افراد به منظور رشد توانمندی آنها؛ عدم بکارگیری ابتکارات منحصربه‌فرد در سایر تجارب دنیا؛ عدم تهیه گزارش‌های جامع در این حوزه؛ عدم ارزیابی پیامدها و نتایج به منظور اصلاح و تعدیل برنامه‌های فوق؛ و انجام فعالیت‌های موازی از طرف سازمان‌های مختلف بدون هماهنگی با هم، از ویژگی‌های فعالیت‌های مذکور است.

در خصوص صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در روستای مورد بررسی، صرفاً تأکید بر پرداخت اعتبار؛ انتخاب روستایی با شرایطی مطلوب‌تر در مقایسه با برخی از روستاهای محروم‌تر استان؛ اطلاع‌رسانی به عده‌ای محدود؛ عدم اطلاع برخی فقرا از وجود صندوق و سازوکار آن؛ عدم صرف وقت برای شناسایی افراد آسیب‌پذیر؛ نسبت خویشتاوندی اکثر اعضای صندوق مذکور با هم؛ عدم تطابق رویه صندوق مذکور با عرف و شرایط بومی جامعه روستایی؛ عدم کفایت مبلغ وام برای راه‌اندازی کسب و کاری جدید؛ اصرار اعضا به دریافت سریع‌تر مبلغ پس‌انداز و اتمام کار صندوق به دلیل عدم تحقق وعده پرداخت سود به پس‌انداز اعضا، بدبینی و بی‌اعتمادی، شکایت از زیاد بودن مبلغ اقساط وام، سود وام و عدم دریافت سود از پس‌انداز و احساس فریب‌خوردگی؛ نارضایتی از تأخیر در بازگرداندن پس‌اندازها به اعضا، نگرانی از عدم تداوم حضور مسئولان در روستا؛ و تصمیم اعضا به ایجاد صندوقی دیگر مطابق با عرف محلی بعد از انحلال صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی ملاحظه گردید. در مجموع، وقتی با واقعیات روستا مواجه می‌شویم، وضعیت نهاد مذکور شکل خاصی می‌یابد، به طوری که اگر آن را با اهداف عام و از قبل تعیین شده مقایسه کنیم، وضعیت متفاوتی را مشاهده می‌کنیم.

یکی از نارسایی‌های طرح‌های توانمندسازی این است که در ابتدا بررسی اولیه‌ای برای آگاهی از موانع رشد توانمندی زنان روستایی در جامعه مورد نظر انجام نمی‌شود تا سپس بر اساس یافته‌های حاصل از آن، تدابیری برای رشد توانمندی آنها اندیشیده شود. نارسایی دیگر طرح‌های مذکور، صرفاً تأکید بر یک یا دو مؤلفه جزئی از توانمندی اقتصادی مانند تأمین اعتبار و مهارت‌آموزی شغلی (شتاب‌زده و ناکامل) به جای توجه به همه مؤلفه‌ها است. آیا صرفاً تأمین اعتبار کفایت می‌کند؟ آیا لازم نیست فرد از دانش لازم برای راه‌اندازی یا رونق کسب و کار فعلی خود برخوردار شود؟ آیا صرفاً یادگیری یک مهارت شغلی کفایت می‌کند؟ آیا لازم نیست او - برای مثال آرایشگر یا دامدار- درباره بهداشت کار نیز بداند تا جان خود و سایرین را به خطر نیندازد؟ برای فروش محصولات تولیدشده، چه تدابیری اندیشیده شده است؟ آیا میزان اعتبار تخصیص‌یافته، برای راه‌اندازی یا رونق کسب و کار فعلی کفایت می‌کند یا فقط برای رفع برخی نیازهای مصرفی زودگذر مناسب است؟ آیا همگان از فرصت برابری برای اطلاع از وجود امکانات تأمین اعتبار برخوردار هستند؟ در پژوهش اسپران‌دیو (۲۰۱۱) نیز تأکید شده است که در طراحی فعالیت‌ها و برنامه‌ها برای توانمند کردن زنان روستایی، وجود رویکردی کل‌گرایانه و حساسیت به بافت و بستر جامعه، بسیار ضرورت دارد.

نارسایی دیگر طرح‌های مذکور، دید مقطعی آنها است. صرفاً برای دوره‌ای کوتاه، برنامه‌ای تدوین و سازوکارهایی اجرا می‌شود. مهرا (۱۹۹۷: ۱۳۶) نیز در پژوهش خود، توجه موقتی طرح‌های مذکور به زنان را مورد انتقاد قرار داده است.

یافته‌های برخی پژوهش‌های داخلی درباره نبود سرمایه کافی برای راه‌اندازی شغلی، عدم کفایت مبلغ وام دریافتی برای ایجاد اشتغال، شرایط دشوار اخذ وام، عدم اطلاع‌رسانی به همه، عدم دسترسی به بازارهای فروش برای عرضه تولیدات زنان (قلی‌پور و رحیمیان، ۱۳۸۸: ۵۴ و ۵۵)، دسترسی اندک زنان سرپرست خانوار به آموزش، اشتغال و مهارت‌های حرفه‌ای، عدم موفقیت برنامه‌های حمایتی در رهایی زنان از فقر، عدم برخورداری همه زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) از خدمات، عدم کفایت میزان خدمات کمیته امداد امام خمینی (ره) به طوری که افراد تحت پوشش را از شرایط نیازمندی رهایی دهد، فقر قابلیتی زنان، ضعف آگاهی اکثر زنان درباره فعالیت‌های اجتماعی و نحوه مشارکت در آنها، عوامل ساختاری که موجب نهادینه شدن نابرابری در فرصت می‌شود (شکوری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۳-۲۴)، ضعف مهارت‌های تولیدی - اقتصادی، عدم دسترسی به بازار فروش محصولات، نبود فرصت‌های شغلی برای زنان در روستا (کلانتری، شعبانعلی فمی و سروش مهر، ۱۳۸۹: ۱۱۶-۱۱۷) با یافته‌های پژوهش حاضر هم‌سو است. تأمین سرمایه مالی، فقط یکی از چندین مؤلفه توانمندی است. دختران و زنان روستایی در سایر جنبه‌ها (مانند سرمایه انسانی، سرمایه اطلاعاتی، سرمایه مالی، سرمایه مادی و غیره) ضعف‌هایی دارند. برخی سواد و دانش کافی برای رونق کسب و کار فعلی - یعنی زراعت و دامداری - یا راه‌اندازی کسب و کاری جدید برخوردار نیستند. بعضی افراد فاقد برخی آگاهی‌های اولیه درباره بهداشت دام هستند؛ به بازار فروش دائمی دسترسی ندارند؛ در دسترسی به برخی نهاده‌ها با مشکلاتی مواجه هستند؛ برخی به تسهیلات مالی بیشتری دسترسی ندارند؛ یا فاقد آگاهی درباره سازوکارهای اخذ وام از سایر نهادها هستند. کاستی‌هایی نیز در ساختار

فرصت (نهادهای رسمی و غیررسمی) ملاحظه می‌شود. هنوز موانع فرهنگی (نهاد غیررسمی) بسیاری برای ادامه تحصیل و اشتغال دختران وجود دارد. زنان آسیب‌پذیر جامعه، به ویژه زنان بی‌سرپرست یا بدسرپرست با موانع فرهنگی بیشتری مواجه هستند. در حالی که به دلیل شرایط خاص زندگی زنان مذکور، رشد توانمندی آنها به میزان بسیار بیشتری ضرورت دارد. در پایان راهکارهایی برای موفقیت این قبیل طرح‌ها در نیل به اهداف تعیین‌شده بیان می‌گردد:

۱) به نحوی درباره تشکیل گروه‌های پس‌انداز و وام، اطلاع‌رسانی شود که همه ساکنان روستا مطلع گردند و همه از حق تصمیم‌گیری درباره عضویت یا عدم عضویت در گروه‌های مذکور برخوردار شوند. استفاده از فنونی مانند تشکیل جلسه‌های گروهی در مسجد - البته با اطلاع‌رسانی قبلی - و بیان اطلاعات با زبان محلی می‌تواند در این حوزه مؤثر باشد. همچنین برای همگان به نحوی کامل و قابل فهم، درباره سازوکار مذکور و هدف از اجرای آن توضیح داده شود تا ابهام، شبهه و ترس درباره برنامه مذکور وجود نداشته باشد.

۲) در مرحله بعد، برای شناسایی فقرای واقعی (به لحاظ درآمدی) از بین متقاضیان، به منظور تشکیل گروه‌های پس‌انداز و اعطای وام تلاش گردد. افراد بی‌سواد، ناتوان، افرادی که در نواحی حاشیه‌ای، انتهای روستا، و در جاده‌های خاکی بسیار دورتر از سایر مسکن روستا زندگی می‌کنند، نادیده گرفته نشوند.

۳) بهتر است در آغاز راه‌اندازی گروه‌های پس‌انداز و وام در هر منطقه‌ای، ابتدا به ویژگی‌های اجتماعی و هنجارهای رایج در منطقه و شغل‌های فعلی زنان روستایی توجه شود. نوع شغل نباید از طرف سازمان مذکور تعیین شود. علائق اعضا باید در نظر گرفته شود و مشخص گردد که آنها مایلند وام را برای راه‌اندازی یا گسترش چه کسب و کاری مورد استفاده قرار دهند. آیا آنها درصدد رونق کسب و کار موجود یا آغاز کسب و کاری جدید هستند.

۴) میزان مبالغ وام طوری باشد که با آن امکان راه‌اندازی یا رونق کسب و کار وجود داشته باشد. مبالغ کم وام، به ندرت برای راه‌اندازی یا رونق کسب و کار کفایت می‌کند. در نتیجه، صرف امور معیشتی و مصرفی می‌شود نه تولیدی. به اعتقاد موردچاق و همکاران (۲۰۰۵) یا وام ندهید، یا به اندازه بدهید. برای افزایش میزان مبالغ وام، نمی‌توان به فقرا برای پرداخت مبالغ بیشتر در ماه به منظور پس‌انداز در صندوق اصرار کرد یا مبلغ اقساط وام را افزایش داد. آنها نمی‌توانند مبالغ زیادی برای پس‌انداز و نیز اقساط وام بپردازند. بنابراین، بهتر است سرمایه اولیه صندوق، علاوه بر تأمین از طریق پس‌اندازهای خرد اعضا، از طرق دیگر مانند اخذ تسهیلات بانکی مهیا شود.

۵) مبلغ اقساط وام کم باشد تا فقرا از عهده پرداخت آن برآیند. از ابتدا وام‌ها برای راه‌اندازی یا رونق کسب و کار پرداخت می‌شود و انتظار می‌رود که با سود ناشی از کسب و کار فوق، اقساط وام پرداخت گردد. اما روستاییان ممکن است به دلیل وقوع برخی حوادث غیرمترقبه، با زیان‌هایی مواجه شوند که امکان پرداخت اقساط وام را از محل کسب و کار مذکور ناممکن کند. برای مثال، زن روستایی با وام خود، گوساله، تعدادی بوقلمون یا اردک خریداری می‌کند تا به پرورش و ازدیاد

آن بپردازد. اما مدتی بعد دام یا طیور دزدیده می‌شود یا برخی از آن‌ها در اثر بیماری از بین می‌روند. اگر مبالغ اقساط وام کم باشد، آن‌ها در چنین مواقعی با اضطراب و نگرانی مواجه نمی‌گردند و مشکلی بر مشکلات فعلی آن‌ها افزوده نمی‌شود.

۶) اگر وعده‌ای قبل از اجرای برنامه توانمندسازی داده می‌شود، حتماً به آن عمل شود تا اعتماد روستاییان به این قبیل برنامه‌ها و سازمان‌های مجری آن‌ها کاهش نیابد. کاهش اعتماد آن‌ها در این حوزه‌ها، اجرای طرح‌های بعدی را در زمان‌های آینده با مشکل مواجه می‌کند.

۸) همراهی برنامه‌های تأمین مالی خرد با خدمات اجتماعی اولیه و پیگیری اهداف کلیدی توسعه اجتماعی (مانند افزایش دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزش درباره بهداشت، تغذیه، سلامتی، مسائل حقوقی، شغل، عوامل تولیدی مولد، کمک به برنامه‌ریزی کسب و کار، بازاریابی)؛ تطابق با ویژگی‌ها و شرایط (جغرافیایی، زیست‌محیطی، اجتماعی، فرهنگی، ایدئولوژیکی) جامعه محلی؛ پیوند رویه رسمی و بانک‌محور با سازوکارهای موجود در شیوه‌های گروه‌محور، سنتی و بومی تأمین مالی غیررسمی؛ تطابق با شرایط مورد قبول فقرا؛ رعایت سادگی؛ توجه به عامل سهولت و راحتی روستاییان؛ تدوین قوانین مورد نیاز برای سامان بخشیدن به نگرانی‌های فقرا درباره خدمات پس‌انداز (کاهش عدم اطمینان)؛ برقراری روابط نزدیک و چهره‌به‌چهره پرسنل تأمین مالی خرد با مشتریان در منزل یا محل کار و نیز خود مشتریان با یکدیگر؛ سپردن امور به خود مردم؛ خلق تدبیر امور مؤثر توسط مردم، شروع کار با پرداخت وام‌های بسیار خرد و افزایش تدریجی حجم وام و غیره، از دیگر راهکارهای مطرح در این حوزه است.

منابع

- ازکیا، مصطفی و ایمانی، علی (۱۳۸۵). نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی و ایجاد اشتغال زندانیان آزاد شده: تجربه بانک کشاورزی. در بانک کشاورزی. مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی (۲۰۵-۲۳۴)، تهران: مرکز تحقیقات بانک کشاورزی.
- جعفری مهتاش، معصومه (۱۳۸۵). بررسی تأثیر خدمات کمیته امداد بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد در رشته برنامه‌ریزی اجتماعی). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- جلالی موسوی، آزاده (۱۳۸۶). بررسی اثر برنامه‌های تأمین مالی خرد در کاهش فقر خانوار: مطالعه موردی صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در شهرستان سلماس و طرح پشتیبانی خدمات مالی خرد روستا در شهرستان سنندج (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- خداوردی‌لو، سهیلا و بریمانی، فرامرز (۱۳۸۸). نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان فقیر و سرپرست خانوار. در اداره کل امور بانوان شهرداری تهران. مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار (۱۴۵-۱۵۹). تهران: اداره کل امور بانوان شهرداری تهران.
- رشیدی، داریوش و منصوری، بهمن (۱۳۸۵). خدمات مالی روستایی خرد، گامی اساسی برای فقرزدایی (طرح پشتیبانی خدمات مالی خرد روستا). در بانک کشاورزی. مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی (۱۹۳-۲۰۴). تهران: مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی.

- رضایی گیوشاد، طوبی (۱۳۸۷). بررسی نقش صندوق‌های اعتباری خرد در توسعه پایدار روستایی: مطالعه موردی صندوقهای اعتباری خرد پروژه بین‌المللی ترسیب کربن در حسین‌آباد غیناب سریشنه (پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته توسعه روستایی). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- سجادی، فاضل (۱۳۸۵). نقش بانک کشاورزی در ایجاد اشتغال و کاهش فقر با بهره‌گیری از رویکرد اعتبارات خرد «مطالعه موردی: استان کرمانشاه». در بانک کشاورزی. مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی (۳۳۱-۳۴۷). تهران: مرکز تحقیقات بانک کشاورزی.
- سعدی، حشمت‌الله و عرب مازار، عباس (۱۳۸۵). نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی، تجربه بانک کشاورزی. در بانک کشاورزی. مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی (۲۳۵-۲۶۲). تهران: مرکز تحقیقات بانک کشاورزی.
- شکوری، علی، رفعت‌جاه، مریم، جعفری، معصومه (۱۳۸۶). مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آنها. پژوهش زنان، (۱)۵، ۱-۲۶.
- طالب، مهدی و نجفی اصل، زهره (۱۳۸۶). پیامد اعتبارات خرد روستایی بر توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار: نگاهی به نتایج طرح حضرت زینب کبری (س) در روستاهای بویین زهرا، روستا و توسعه، سال دهم، شماره سوم.
- قلی‌پور، آرین و رحیمیان، اشرف (۱۳۸۸). رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. رفاه اجتماعی، ۴۰، ۲۹-۶۲.
- کمره‌ای، مریم (۱۳۸۹). بررسی اثرات طرح صندوق اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی؛ مطالعه موردی: روستاهای تمیسیان و کاجان در شهرستان دماوند (پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته توسعه روستایی). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- کلانتری، خلیل، شعبانعلی فمی، حسین، سروش مهر، هما (۱۳۸۹). بررسی عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی؛ مطالعه موردی شهرستان همدان. توسعه روستایی، (۲)۱، ۱۰۷-۱۲۴.
- محمدقلی‌نیا، جواد؛ فرید، هادی و فرجی، اسماعیل (۱۳۸۵). عوامل مؤثر بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی (مطالعه موردی: استان‌های مازندران و کرمانشاه). در بانک کشاورزی. مجموعه مقالات سمینار اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی (۳۴۹-۳۸۱). تهران: مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی.
- معظمی، میترا؛ رحیمی، عباس و طائفه حیدری، اعظم (۱۳۸۵). بررسی پوشش و پایداری برنامه‌های اعتبار خرد (مطالعه موردی - صندوق اعتبار خرد برای زنان روستایی). در بانک کشاورزی. مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی (۳۰۹-۳۲۹). تهران: مرکز تحقیقات بانک کشاورزی.
- Alsop, Ruth, Frost, Bertelsen, Mette & Holland, Jeremy (2006). *Empowerment in Practice: From Analysis to Implementation*. world bank.
- Armendáriz de Aghion, Beatriz & Jonathan Morduch (2005). *The Economics of Microfinance*. Massachusetts Institute of Technology.
- Aslanbeigui, Nahid, Oakes, Guy & Uddin, Nancy (2010). Assessing Microcredit in Bangladesh: A Critique of the Concept of Empowerment. *Review of Political Economy*, 22(2), 181-204.
- Chowdhury, Sarahat Salma & Chowdhury, Sifat Adiya (2011). Microfinance and Women Empowerment: A Panel Data Analysis Using Evidence from Rural Bangladesh. *International Journal of Economics and Finance*, 3(5), 86-96.
- De, Sudipta and Sarker, Debnarayan (2011). Women's Empowerment through Self-help Groups and its Impact on Health Issues: Empirical Evidence. *Journal of Global Analysis*, 2(1), 51-73.
- El-Komi, M. (2010). *Poverty: Alleviation through microfinance and implications on education* (Ph.D. thesis). University of Texas.

- Hashemi, Syed M.; Ruth Schuler, Sidney & Riley, Ann P. (1996). Rural Credit Programs and Women's Empowerment in Bangladesh. *World Development*, 24(4), 635-653.
- Hidalgo-Celarie, N.; Altamirano-Cardenas, R.; Zapata-Martelo, E. & Martinez-Corona, B. (2005). Economic impact of microfinance targeted to women in the state of Veracruz, Mexico, *Agrociencia*, 39(3), 351-359.
- Holland, T. & Wang, L. (2011). Avoiding the perils and fulfilling the promises of microfinance: A closer examination of the educational outcomes of clients' children in Nicaragua. *International Journal of Education Development*, 31(2), 149-161.
- Holvoet, N. (2005). The impact of microfinance on decision-making agency: Evidence from South India. *Development and Change*, 36(1), 75-102.
- Kaur, Rupinder (2010). Institutional Structure and Women Empowerment. *Asia-Pacific Journal of Rural Development*, XX(2), 103-124.
- Kellett, Nicole Coffey (2009). *Empowering women: Microfinance, development, and relations of inequality in the south central Peruvian highlands* (Ph.D. thesis). Philosophy Anthropology, The University of New Mexico.
- Khandker, S. R. (2005). Microfinance and poverty: Evidence using panel data from Bangladesh. *World Bank Economic Review*, 19(2), 263-286.
- Kim, J. C.; Watts, C. H.; Hargreaves, J. R.; Ndhlovu, L. X.; Phetla, G.; Morison, L. A.; Busza, J.; Porter, J. D. H. & Pronyk, P. (2007). Understanding the impact of a microfinance-based intervention on women's empowerment and the reduction of intimate partner violence in South Africa. *American Journal of Public Health*, 97(10), 1794-1802.
- Kouassi, M. (2008). *Microfinance and health: A study of selected countries* (Ph.D. thesis). Howard University.
- Lhing, N. N.; Shinkai, S.; Hotta, K. & Nanseki, T. (2010). The Effects of the PACT Microfinance Program in the Dry Zone Area of Central Myanmar. *Journal of the Faculty of Agriculture Kyushu University*, 55(1), 173-180.
- Maldonado, J. H. & Gonzalez-Vega, C. (2008) Impact of Microfinance on Schooling: Evidence from Poor Rural Households in Bolivia. *World Development*, 36(11), 2440-2455.
- Malik, Muhammad, Pervez, Zamurrad Janjua, Kifayat, Ullah (2011). Impact of Village Group Financial Services on Women Empowerment and Poverty: A Case Study of the First Micro Finance Bank Gilgit. *The Dialogue*, VI(4), 382-397.
- Mayoux, Linda (2001). Tackling the Down Side: Social Capital, Women's Empowerment and Microfinance in Cameroon. *Development and Change*, 32, 435-464.
- Mehra, Rekha (1997). Women, Empowerment, and Economic Development. *Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 554, 136-149.
- Mosley, P. (2001). Microfinance and poverty in Bolivia. *Journal of Development Studies*, 37(4), 101-132.
- Narayan, Deepa (2002). *Empowerment and Poverty Reduction*. The World Bank Washington, DC.
- Woolcock, M. J. V. (1999). Learning from failures in microfinance: What unsuccessful cases tell us about how group-based programs work. *American Journal of Economics and Sociology*, Vol. 58, Issue 1, pp: 17-42.
- Rajouria, A. (2008). *Micro-finance and empowerment of women: Evidence from Nepal* (Ph.D. thesis). University of Hawaii.
- Reji, E. M. (2009). Microfinance and Women Empowerment A General Framework for Assessment of Women Empowerment. *Indian Journal of Social Work*, 70(4), 557-570.
- Sanyal, P. (2006). Credit, Capital and Collective Action: Microfinance and Pathways to Women's Empowerment. Conference Papers - American Sociological Association, 1.
- Sperandio, Jill (2011). Context and the gendered status of teachers: women's empowerment through leadership of non-formal schooling in rural Bangladesh. *Gender and Education*, 23(2), 121-135.